



همسر و وقتی سابق و گذشته مرا فهمیدی درنگ تقاضای طلاق داد و پسر خردسال را نیز با خودش برد. بعد از این ماجرا تصمیم گرفتم دیگر به دنبال مواد افیونی نروم و زندگی سالمی را در پیش بگیرم، اما این قول و قرارها فقط تا ۲ ماه بعد از آزادی از زندان دوام داشت؛ چرا که بعد از طلاق همسرم به تهران برگشتم و در مشهد به دنبال کارهای مختلف گشتم تا این که چند روز قبل ماموران انتظامی در یکی از پاتوق های مواد مخدر دوباره مرا در حالی دستگیر کردند که به یک خودروی دیگر دستبرد زده بودم، اما ای کاش ...

خودروی او آوردم در حالی که همسرم از سرقت های من خبر نداشت برای چند روز به مشهد آمدم تا خانواده ام با همسرم آشنا شوند در حالی که پدرم خشم خود را در از رفتارهای من پنهان می کرد. یک روز با مشاهده پرایدی که در حاشیه بزرگراه پارک شده بود و سوسه سرتقت همه وجودم را فرا گرفت، اما هنوز مسافت زیادی را با خودروی سرقتی طی نکرده بودم که ناگهان در محاصره نیروهای انتظامی کلاتری سلطان آباد قرار گرفتم و برای ۳ سال دیگر روانه زندان شدم.

و سوسه یکی از دوستانم که برادرش در تهران کار می کرد از خانه فرار کردم تا در یک شهر بزرگ تر پولدار شوم، اما وقتی به تهران رسیدم جا و مکانی نداشتم و به همین دلیل سراغ برادر دوستم رفتم که در حاشیه شهر و در وضعیت اسفباری به همراه چند معتاد دیگر زندگی می کرد. زمانی فهمیدم که همه حرف های دوستم درباره برادرش فقط یک بلوف بود که دیگر روی بازگشت به روستا نداشتم. خلاصه طولی نکشید که من هم در کنار آن ها معتاد شدم و برای تامین مخارج اعتیاد به سرقت روی آوردم؛ چرا که ششویه باز کردن در خودروها را در جلوبندی سازی آموخته بودم، ولی آرام آرام سرقت های خرد نیز کفایت هزینه های اعتیاد را نمی داد. این بود که به همراه دیگر سارقان دستبرد به مغازه ها را شروع کردم. بالاخره در ۱۷ سالگی هنگامی برای اولین بار در یکی از شهرهای اطراف تهران دستگیر شدم که برای فرار از چنگ مال باخته، یکی از کسبه را با چاقو مجروح کردم.

وقتی پوران ترک کرد و پسرم را هم با خود برد؛

صندوقچه اسرار یک تبهکار!

روستای مادر کنار بزرگراه آسیایی قرار دارد و مسافران زیادی برای خرید یا استراحت در کنار فروشگاه ها توقف می کردند و من با دیدن برخی از افراد پولدار که سوار بر خودروهای گران قیمت بودند مدام به زندگی آن ها حسرت می خوردم و دوست داشتم هرچه زودتر پولدار شوم و برای خودم خانه هایی قصر گونه بسازم و چندین کارخانه راه اندازی کنم.

خلاصه در میان رویاهای خودم غرق بودم که پدرم متوجه ترک تحصیل من شد و مرا آن قدر کتک زد که تا چند روز نتوانستم از خانه بیرون بیایم. پدرم با هر خطای کودکانه با ترکه (شاخه های نازک درختان) به جانم می افتاد به طوری که دیگر به شدت از رفتارهای خشن او می ترسیدم.

به این ترتیب پدرم مرا نزد یک تعمیرکار خودرو (جلوبندی ساز) گذاشت تا برای آینده ام این حرفه را بیاموزم. در طول دو سال و در حالی که فوت و فن این حرفه را آموخته بودم برای رسیدن به رویاهایم و با

جزئیات بازداشت عاملان قتل وکیل شهرودی؛

قتل در برابر چشم همسر و فرزند



نفر دیگر اعتراف کرد. سرهنگ موقوفه ای به هماهنگی های قضایی و دستگیری تمام افراد مشارکت کننده در قتل، طی یک عملیات پیچیده پلیسی در مخفیگاه شان اشاره کرد و اظهار داشت: چهار متهم دستگیر شده در تحقیقات فنی پلیس به قتل وکیل جوان با انگیزه اختلافات مالی اعتراف کردند و پرونده به همراه متهمان به مراجع قضایی ارسال شد.

و ی با بیان اینکه در تحقیقات اولیه مأموران پلیس آگاهی مشخص شد قاتل یا قاتلان پس از ارتکاب جرم به سمت یکی از شهرهای شمالی کشور متواری شده بودند، افزود: کارآگاهان با بررسی ابعاد مختلف پرونده و انجام یک سری کارهای علمی و اطلاعاتی، در نهایت به یکی از موکل های متوفی مظنون شدند و پس از دستگیری وی و انجام بازرسی های تخصصی، به قتل با مشارکت چند

گروه حوادث - عاملان قتل وکیل شهرودی با گذشت حدود ۶ ماه از این جنایت در حالی با تلاش مأموران پلیس استان سمنان دستگیر شدند که انگیزه خود را اختلاف مالی با مقتول اعلام کردند. این وکیل ۳۳ ساله که محمودرضا جعفر آقایی نام داشت، ساعت یک پانزدهم دوشنبه ۱۷ مرداد امسال پس از پیاده شدن از خودروی پژو ۲۰۶ سفیدرنگش در شاهرود مقابل چشمان همسر و پسر ۵ ساله اش از سویی فردی ناشناس هدف چندین گلوله قرار گرفت و ساعتی بعد در بیمارستان جانش را از دست داد.

یکی از همکاران این وکیل دادگستری پس از این جنایت گفته بودی چندین مرتبه تهدید شده بود و آخرین مرتبه ۴۸ ساعت قبل از این حادثه درگیری لفظی ششیدی با او داشتند و در نهایت این حادثه اتفاق افتاد. حتی وقتی به این وکیل تیراندازی شد در راه انتقال به بیمارستان او هنوز می توانست صحبت کند و هویت عامل اصلی تیراندازی را به همراهانش گفته بود اما متأسفانه چند ساعت بعد جان باخت. سرهنگ جلیل موقوفه ای، فرمانده انتظامی استان سمنان در این باره گفت: چند ماه قبل وکیل جوان شاهرودی در خیابان فردوسی شهر شاهرود با سلاح گرم به قتل رسید که رسیدگی پرونده به صورت ویژه در دستور کار مأموران پلیس آگاهی قرار گرفت.

دام چوپان دروغگو برای دختران دم بخت



گروه حوادث - مرد چوپانی در سایت همسریابی دختران دم بخت را به بهانه خواستگاری فریب می داد و طلاهای آن ها را سرقت می کرد و با پول آن خودروهای گرانقیمتی خرید.

اوایل دی ماه امسال دختری در تهران به اداره پلیس رفت و از خواستگار قلابی اش به اتهام سرقت طلاهایش شکایت کرد. شاکی در توضیح ماجرا گفت: «چند سالی بود تصمیم گرفته بودم، ازدواج کنم ولی مرد مناسبی به خواستگاری نیامد. حرف و حدیث های خانواده و دوستانم مرا خسته کرد و در نهایت منم بالا رفتم به پیشنهاد یکی از دوستانم برای پیدا کردن همسر دلخواهم در سایت همسریابی ثبت نام کردم. پس از این، افراد زیادی پیشنهاد ازدواج دادند، ولی شرایطمان با هم جور نمی آمد و به توافق نمی رسیدیم تا اینکه مدتی قبل با پسر ۳۷ ساله ای به نام شاهرخ که هفت سال هم از من بزرگ تر بود در سایت همسریابی آشنا شدم و شرایط مرا قبول کرد.»

سرقت طلا

شاکی ادامه داد: «شاهرخ ادعا می کرد تاجر است و می خواهد پس از ازدواج برای زندگی به کشور کانادا برود. به هر حال ما مدتی با هم تلفنی و پیامکی در ارتباط بودیم و درباره شرایطمان با هم صحبت کردیم و حتی دختری را به عنوان خواهرش به من معرفی کرد و من با او هم چند باری صحبت کردم و قرار بود او همراه خانواده اش به خواستگاری ام بیاید. شاهرخ یکبار هم مرا به رستورانی دعوت کرد و وقتی سرقرار آمد لباس های شیک به تن داشت و خودروی مدل بالایی هم سوار بود. او همیشه درباره خرید و فروش طلا با من صحبت می کرد و می گفت در این کار حرفه ای است و سود خوبی همیشه به جیب می زند تا اینکه پیشنهاد داد من طلاهایم را برای سرمایه گذاری در اختیار او قرار دهم. من فریب حرف های او را خوردم و تمامی طلاهایم را که ۲۰۰ میلیون تومان ارزش داشت، به او دادم و از آن روز به بعد شاهرخ ناپدید شد و تلفن همراهش را هم خاموش کرد.»

شکایت های مشابه

با شکایت دختر جوان، پرونده به دستور قاضی علیرضا بهشتی، بازپرس شعبه دوم دادسرای ناحیه ۳۴ برای بررسی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. مأموران پلیس همزمان با ادامه تحقیقات برای شناسایی خواستگار شیباد با چند شکایت دختر دم بخت دیگر هم روبه رو شد که به همان شبیه شاکی اول در دام خواستگار قلابی گرفتار شده و اموالشان را از دست داده بودند.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

استخدام

به یک نیروی خدماتی آقا یا خانم جهت کار در یک شرکت نیازمندیم شماره تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

حمل بار

حمل و جابجایی کالا با ۶ چرخ در سطح جزیره ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

مفقودی

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۷۶۵۳۹/۰۱ به نام صدیقه نمردی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

سم پاشی

شرکت کیمیا سم کیش مبارزه با حشرات و خزندگان و جوندگان شماره تماس ۰۹۳۴۷۶۹۰۵۰۳

از گرافیکست

(ترجیحا با سابقه)

جهت کار در یک نشریه دعوت به همکاری می شود شماره تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

مبل شویی

مبل شویی مبل صندلی تشک موکت فرش با بهترین کیفیت و نازل ترین قیمت در اسرع وقت ۰۹۳۸۲۸۰۲۲۹۳ ۰۹۱۷۴۵۷۹۱۱۰

اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۰۹۸۰۲/۰۱ به نام محمد علی زارعی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

خدمات

خدمات برق

انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

صنایع چوب

صنایع چوب حلاج کیش

کلیه سفارشات MDF، چوبی

دکوراسیون غرفه و منزل تلفن ۷۶۹۸۲۵۲

خدمات تاسیسات آب و لوله کشی

جزئی و کلی مجتمع های اداری مسکونی - خدماتی - تجاری رضایی ۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴

دوربین های مدار بسته

درب های اتوماتیک

دارکوب ۰۹۱۲۹۴۲۴۰۲۲

کیش نوش

تولید و توزیع آب معدنی در جزیره ۴۴۴۷۳۴۲۲ - ۴۴۴۷۳۴۲۱

نیازمندیهای اقتصاد کیشی

۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۳۹۱۰

مبارزه با حشرات و خزندگان و جوندگان

۰۹۳۴۷۶۹۰۵۰۳

شرکت کیمیا سم کیش

